



نویسنده: مریم شاهچراغیان

تغییرات خانواده و کاهش جمعیت در ایران خانواده یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی است و اولین هسته‌ی زندگی اجتماعی بشر از خانواده آغاز می‌گردد. از این رو، تغییرات ارزشی در حوزه‌ی خانواده در جامعه نیز تأثیرگذار است و البته تغییر در عرصه‌های گوناگون جامعه، اعم از فرهنگی، اقتصادی و... نیز در مناسبات خانوادگی تأثیرگذار خواهد بود. یکی از عرصه‌هایی که در این سال‌ها دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده، فرزندآوری و روند رشد جمعیت است. باروری در جمعیت‌شناسی مفهوم مهمی قلمداد می‌شود. اهمیت باروری برای جمعیت‌شناسان تا آنجاست که آن را جزء وقایع چهارگانه‌ی حیاتی برمی‌شمارند و از آنجا که در افزایش یا کاهش جمعیت به طور مستقیم تأثیرگذار است، به عنوان مهم‌ترین عامل حرکت زمانی جمعیت شناخته می‌شود. در حال حاضر، هرم سنی جمعیت ایران در حال انتقال از جوانی به سال‌خوردگی است. بدین ترتیب، اگر نقطه‌ی شروع کاهش اساسی و مستمر باروری در ایران را سال ۱۳۶۵ در نظر بگیریم، تا سال ۱۴۲۵ ساختار جمعیت ایران کاملاً سال‌خورده خواهد بود.

منظور از نرخ باروری کل، تعیین تعداد فرزندان است که جانشین والدین می‌شوند. طبق آمار سازمان ملل، نرخ باروری در ایران برای سال ۲۰۱۰ کمتر از ۸/۱ گزارش شده است. این در حالی است که حداقل نرخ جانیشینی برای منفی نشدن نرخ رشد جمعیت در یک جامعه، ۱/۲ برآورد شده است. همچنین بر اساس اعلام بانک جهانی، نرخ رشد جمعیت ایران از سال ۲۰۲۵ به زیر یک درصد خواهد رسید و جمعیت ایران در آن سال به ۹۹/۰ درصد کاهش خواهد یافت. این به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسل است.

تا نیم قرن قبل، امر فرزندآوری در جهان شاکله‌ی طبیعی داشت و به طور متوسط، هر خانواده از میانگین شش فرزند برخوردار بود که در گذار به سوی مدرنیته، علل و عوامل فردی، فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاست‌های بین‌المللی، این روند را تغییر داد و روند معکوس و شتاب‌زده‌ای به خود گرفت؛ به گونه‌ای که امروز فرزندآوری در بسیاری کشورها، به عنوان یک چالش اجتماعی، بلکه یک بحران برای دهه‌های آتی قلمداد می‌شود.

همچنین در شرایطی که کشورمان به دلیل رویکردهای سیاسی و باورهای مذهبی و عقیدتی، گفتمان نوینی در عرصه‌ی بین‌الملل دارد و با مخالفت اساسی دشمنان نظام اسلامی مواجه است، منطق حکم می‌کند که خطرات ناشی از تحدید جمعیت جدی انگاشته شود و آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی در این حوزه صورت گیرد. کافی است سخن برژینسکی سیاست‌مدار کهنه‌کار آمریکایی مورد توجه قرار گیرد: «از فکر کردن در مورد حمله‌ی پیش‌دستانه علیه ایران اجتناب کنید؛ چرا که زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع حکومت ایران نیست.»<sup>۱</sup> در اینجا مروری داریم به روند تحولات جمعیت و تنظیم خانواده در ایران در دهه‌های گذشته:

تحولات جمعیتی و تنظیم خانواده در ایران را به چهار دوره می‌توان تقسیم کرد: دوره‌ی اول طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ که میزان رشد جمعیت ایران افزایش ناگهانی داشته است. در اولین سرشماری در ایران در سال ۱۳۳۵، جمعیت ایران بالغ بر ۹/۱۸ میلیون نفر بود. در آن زمان ایران جزء کشورهایی به حساب می‌آمد که سیاست‌های دولت، مخالف کاهش باروری بوده است.<sup>۲</sup> در دوره‌ی دوم ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷، اولین موضع‌گیری دولت ایران در مورد تحدید مولید اتفاق افتاد. سرشماری سال ۱۳۵۵ و نتایج آن تأیید کاهش باروری در ایران به خصوص در سال‌های نزدیک به این سرشماری بود.



دوره‌ی سوم سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ بود که آن را دهه‌ی توقف تنظیم خانواده نامیده‌اند. دوره‌ی چهارم نیز از سال ۱۳۶۷ آغاز شده است و تا کنون ادامه دارد. ۳

بعد از انقلاب اسلامی، سیاست‌های رسمی کنترل جمعیت متوقف گردید و دولت به تشویق و ترویج ازدواج در سنین پایین پرداخت و سن قانونی ازدواج برای دختران را از ۱۵ سال به ۱۳ سال و پسران را از ۱۸ سال به ۱۵ سال کاهش داد. ۴

میزان باروری از سال ۱۳۶۴ به تدریج شروع به کاهش نمود. هرچند دولت از سال ۱۳۶۷ سیاست‌های آشکاری را در جهت تعدیل نرخ رشد در پیش گرفت؛ اما باید اذعان کرد سیاست‌های مخفی دولت، از جمله افزایش سطح سواد، توسعه‌ی نقاط روستایی و گسترش شبکه‌های بهداشتی، در کاهش باروری از نیمه‌ی دهه‌ی ۶۰ به بعد، تأثیر بسزایی داشته است. ۵

از سال ۱۳۶۷ دولت تصمیم به تغییر سیاست‌های تنظیم خانواده گرفت و در نهایت، در سال ۱۳۶۸ برنامه‌ای از طرف دولت مطرح شد و در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس رسید. ۶

در واقع از سال ۱۳۶۷، که زمان شروع مجدد برنامه‌های تنظیم خانواده است، جمعیت به سرعت روند انتقالی خود را طی می‌کند؛ تا جایی که میزان باروری کل از ۵/۵ فرزند در این سال، به ۱۷/۲ فرزند در سال ۱۳۷۹ می‌رسد. ۷

عامل مهم دیگری که روند تنظیم خانواده را در ایران تسهیل کرد کمک‌های بین‌المللی، به ویژه کمک‌هایی بود که در قالب پروژه‌های صندوق جمعیت سازمان ملل متحد صورت گرفت. میزان به‌کارگیری روش‌های پیشگیری از حاملگی، که در سال ۱۳۵۵ و نقطه‌ی اوج برنامه‌ی تنظیم خانواده قبل از انقلاب اسلامی به ۳۶ درصد رسیده بود، تا سال ۱۳۷۸ به حدود دو برابر، یعنی بیش از ۷۰ درصد، افزایش یافت. ۸

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، میزان باروری کل کشور ۸/۱ فرزند برای هر مادر و رشد جمعیتی کشور ۶۲/۱ بوده و در سرشماری سال ۱۳۹۰، متوسط رشد جمعیت کشور در دوره‌ی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، برابر با ۲۹/۱ اعلام شده است.

در اثر افت باروری و در کنار آن، افزایش امید به زندگی و کاهش مرگ‌ومیر، به تدریج جمعیت وارد دوره سالمندی می‌شود که این امر خود تبعات بسیاری، از جمله کاهش جمعیت در سن کار و به دنبال آن، افزایش تدریجی جمعیت مهاجرین خارجی و... را در پی خواهد داشت. این شرایط مستلزم برنامه‌ریزی و ارائه‌ی راهکار برای خروج از این بحران است.

عوامل مؤثر در کاهش تعداد فرزندان خانوادگی ایرانی در دهه‌های اخیر همان طور که گفتیم، در دهه‌های اخیر، رشد جمعیت ایران روند نزولی داشته است و اگر به همین طریق پیش برویم، وضعیت کشور وارد مرحله‌ای بحرانی خواهد شد. لذا نیازمند آسیب‌شناسی هستیم تا بتوانیم از دل این آسیب‌ها و عوامل مؤثر در بروز این مسئله، راهکار و برنامه ارائه دهیم. در مسئله‌ی کاهش جمعیت، عوامل متعددی نقش داشته است، اما یقیناً مهم‌ترین نهادی که در حوزه‌ی جمعیت نقش دارد نهاد خانواده است. لذا باید ببینیم که در حوزه‌ی خانواده چه تغییراتی رخ داده و چه عواملی منجر به تغییر سبک زندگی خانواده شده که نتیجه‌ی آن کاهش فرزندآوری و کاهش جمعیت کشور بوده است.

تغییرات حاکم بر خانواده

اولین هسته‌ی زندگی اجتماعی بشر از خانواده آغاز می‌شود. خانواده خاستگاه انس و مودت، تکمیل و تکامل، نظم و انتظام، یک‌پارچگی و انسجام است. تأثیر آشکار و پنهان خانواده بر دیگر نهادهای اجتماعی و متقابلاً تأثیرات گوناگون آن نهادها بر خانواده، باعث شده است که اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی و همچنین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی، به طور ویژه‌ای به مسائل خانواده علاقه نشان دهند.

الف) تغییرات فردی

۱. رواج فردگرایی

جامعه‌ی ایران در دهه‌های اخیر، در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی وسیعی قرار گرفته است. این تحولات به ویژه در خانواده مشهود بوده است. یکی از تحولاتی که خانواده از آن مصون نمانده رشد فردگرایی است. منظور از فردگرایی این است که افراد به جای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی، به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت می‌دهند.

فردگرایی با ساختار خانوادگی هسته‌ای و جمع‌گرایی با ساختار خانوادگی گسترده همسو است. در خانوادگی جمع‌گرا فرزندان می‌آموزند که هنگام ابراز عقیده در مقابل دیگران، بردباری پیشه کنند. همچنین وفاداری به گروه و نیز حتی سهیم شدن در منابع مالی، یک عنصر اساسی خانوادگی جمع‌گراست. ۹



بنابراین فردگرایی خود می‌تواند نتیجه‌ی توسعه‌ی خانوادگی هسته‌ای باشد و نیز می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش مسئولیت‌پذیری، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق و طبیعتاً کاهش فرزندآوری را به همراه داشته باشد.

## ۲. افزایش سن ازدواج

یکی از عواملی که منجر به کاهش فرزندآوری می‌شود بالا رفتن سن ازدواج است. البته بالا رفتن سن ازدواج نیز خود معلول عوامل دیگری از قبیل فردگرایی، فرزندسالاری و... است. امروزه به علت تقویت خانوادگی هسته‌ای و دشواری‌های اقتصادی در جوامع صنعتی، متوسط سن ازدواج افزایش یافته است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در ایران نیز میانگین سن ازدواج همین روند را دارد، با این تفاوت که این افزایش در مورد زنان بیشتر است. در سرشماری سال ۹۰ میانگین سن ازدواج در مردان ۲۶.۷ و در زنان ۲۳.۴ بوده است و همچنان نیز در حال افزایش است.<sup>۱۰</sup>

در جامعه امروز ایران، سن ازدواج زنان به دلیل افزایش سطح سوادآموزی آنان همچنان رو به افزایش است. همچنین فشارهای اقتصادی بر زوج‌های تازه ازدواج کرده وارد می‌شود مبنی بر اینکه قبل از ازدواج دارای شغل و مسکن باشند. در حالی که فرصت‌های آنان برای دستیابی به این امکانات به دلیل ورود فزاینده جرگه‌های عظیمی که وارد بازار کار و مسکن در مناطق شهری می‌شوند کاهش می‌یابد. همچنین نگرش نسبت به ازدواج دستخوش تغییرات شده است به طوری که حتی خانواده‌های سنتی ازدواج را دیگر تنها گزینه برای دخترانشان نمی‌دانند. از طرف دیگر مشکل بیکاری باعث بالا رفتن سن ازدواج می‌شود. پیش‌بینی می‌شود میزان بیکاری در بین جمعیت زیاد مردان جوان که بلافاصله پس از انقلاب متولد شدند به علت رقابت شدید در بازار کار افزایش یابد.<sup>۱۱</sup>

طبیعی است که با بالا رفتن سن ازدواج، فرصت باروری نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه، منجر به کاهش تعداد فرزندان خواهد شد.

## ۳. افزایش آمار طلاق

طلاق دارای آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی، قانونی و والدینی بر مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع است.<sup>۱۲</sup> طلاق خود می‌تواند از عوامل متعددی ناشی شود که در هر صورت، منجر به کاهش فرزندآوری در خانواده خواهد شد.

متأسفانه در جامعه‌ی ایران نیز آمار طلاق، خصوصاً در نقاط شهری (به ویژه شهر تهران)، در حال افزایش است. بر اساس آمار ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۷۲ از هر ۱۰۰ ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شد. این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۱۲ طلاق و در سال ۱۳۹۰ به ۱۶ طلاق در ۱۰۰ ازدواج رسیده است؛ یعنی ۳۳/۱۶ درصد و نکته‌ی قابل توجه اینکه در استان تهران و البرز ۳۳ درصد است. در واقع از هر سه ازدواج، یکی به طلاق منجر می‌شود. البته آمار طلاق تا پایان سال ۱۳۹۱ در کشور به ۶۶/۱۶ درصد نیز رسیده است. اگر به این آمار، طلاق‌های عاطفی (که ثبت نشده و آماری از آن‌ها در دست نیست) را هم اضافه کنیم، می‌بینیم که متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها درگیر آن هستند و یکی از عوامل کاهش تعداد فرزندان نیز همین مسئله است.

## ۴. افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان

افزایش سطح تحصیلات خصوصاً در زنان، یکی از عواملی است که منجر به بالا رفتن سن ازدواج و در نتیجه، کاهش فرزندآوری می‌شود. البته بین بالا رفتن سطح تحصیلات و بالا رفتن سن ازدواج، یک رابطه‌ی دوسویه وجود دارد. در دو دهه‌ی گذشته، سواد زنان افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و حتی نسبت دختران به پسران در دانشگاه فزونی گرفته است.

افزایش سطح تحصیلات زنان منجر به افزایش تمایل زنان به حضور در بازار کار شده و میزان اشتغال زنان نسبت به گذشته بیشتر شده است. حضور بیشتر زنان در بیرون از خانه منجر به کاهش تمایل زنان به فرزندآوری شده و در کاهش نرخ فرزندآوری در ایران تأثیرگذار بوده است.

## ب) تغییرات اجتماعی

### ۱. گسترش خانوادگی هسته‌ای

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در دهه‌های اخیر در خانوادگی ایرانی شاهد آن بودیم، تغییر شکل خانواده است. در گذشته، غالباً خانواده گسترده بود. خانوادگی گسترده خانوادگی است که بیش از دو نسل را در خود جای می‌دهد. در این خانواده‌ها، فرزندان پس از ازدواج، در کنار خانواده زندگی می‌کنند که دلیل گستردگی خانواده نیز همین است. اما خانوادگی هسته‌ای یک خانوادگی نومکان است که با ازدواج یک زوج به وجود می‌آید. فرزندان پس از بلوغ، به تدریج خانه را ترک می‌کنند و زن و شوهر در میان‌سال‌ی دوباره تنها می‌شوند.<sup>۱۳</sup>



به نظر می‌رسد خانواده‌ی هسته‌ای، پس از روند صنعتی شدن غرب، شکل حاکم بر خانواده، چه در دنیای صنعتی و چه در سایر مناطق جهان شد. ۱۴ هم‌اکنون در ایران خانواده‌ی هسته‌ای بیشترین درصد خانواده‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

۲. افزایش میزان شهرنشینی مطابق با سرشماری‌های انجام‌گرفته در کشور در سال ۱۳۶۵، میزان شهرنشینی در کشور ۳/۵۴ درصد بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۳/۶۱ درصد افزایش پیدا کرده است و تا سال ۱۳۹۰، در حدود ۴/۷۱ درصد جمعیت کشور در شهرها ساکن بودند.

شهرنشینی توقعات افراد را برای داشتن زندگی بهتر افزایش می‌دهد و آن‌ها را با افزایش هزینه‌های زندگی روبه‌رو خواهد کرد. این امر به خودی خود موجب تغییر رفتارهای باروری زنان به نفع اندازه‌ی کوچک‌تر خانوار و تعداد فرزند کمتر خواهد شد. ۱۵. گسترش شهرنشینی موجب گسترش خانواده‌ی هسته‌ای می‌شود که همان گونه که توضیح داده شد، در کاهش تعداد فرزندان تأثیرگذار خواهد بود.

۳. آپارتمان‌نشینی و کوچک شدن خانه‌ها

یکی از پیامدهای گسترش شهرنشینی، کوچک شدن خانه‌ها و افزایش آپارتمان‌هاست. خانه‌های آپارتمانی، به دلیل نوع فضاسازی و ساخت آن، بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش، مانند محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها و محل کار و البته تولید و همه چیز، به جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است. طراحی آپارتمان‌ها به گونه‌ای است که سبب فردی شدن خانه و گسستن اعضای خانواده از یکدیگر می‌گردد. به عبارت دیگر، آپارتمان و زندگی آپارتمانی یکی از عرصه‌های فردگرایی شده است.

در سال‌های اخیر، معماری ما به سمت کوچک‌سازی خانه‌ها پیش رفته است که امکان نگهداری از فرزندان زیاد (بیش از یک یا دو فرزند) را از خانواده‌ها گرفته است. طبیعی است که این امر منجر به کاهش نرخ باروری در ایران گردیده است.

بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، متوسط خانوار در ایران از ۱/۵ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۳/۴ نفر در سال ۱۳۸۵ و ۵۵/۳ نفر در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است.

۴. مشکلات اقتصادی

در کنار سایر عوامل و تغییراتی که در حوزه‌ی خانواده رخ داده است، مشکلات اقتصادی نیز در کاهش باروری و تعداد فرزندان خانواده بسیار تعیین‌کننده و اثرگذار است. در شرایط کنونی کشورمان با مشکلات اقتصادی دست به گریبان است و سیاست‌های خارجی، تحریم‌های سنگینی را بر کشور تحمیل کرده که منجر به تورم و گرانی و بیکاری و... گردیده است و همه‌ی این‌ها می‌تواند توانایی و امکانات داشتن فرزند بیشتر را از خانواده‌ها سلب کند.

ج) تغییرات فرهنگی

۱. رواج فرزندسالاری

در گذشته فضای حاکم بر خانواده‌ها غالباً بر محور احترام و اقتدار والدین بود، ولی امروزه به تدریج فرزندسالاری پررنگ‌تر می‌شود و تبعات آن در خانواده و جامعه کاملاً مشخص است.

می‌توان گفت فرزندسالاری پدیده‌ی منحصر به فردی است که در جامعه‌ی ایران به وجود آمده و دارای ویژگی‌های خاص خود است: بالا رفتن انتظارات بچه‌ها، افزایش مراقبت‌های والدین از فرزندان، وسواس شدید والدین نسبت به بچه‌ها و افزایش آن، افزایش هزینه‌ای که والدین صرف فرزندان خود می‌کنند و تبدیل فرزندان به موجود پرهزینه‌ای که دائماً در کانون توجه والدین قرار دارد. ۱۶.

طبیعتاً در این شرایط، میزان فرزندآوری کاهش می‌یابد؛ چرا که توانایی برآوردن انتظارات بالای فرزندان و رسیدگی و توجه بیش از حد والدین به آن‌ها، مانعی برای داشتن فرزندان بیشتر خواهد بود.

مهم‌ترین ویژگی فرزندسالاری، عدم حس مسئولیت‌پذیری و عدم استقلال در خانواده‌های فرزندسالار است. چنین خانواده‌هایی شرایط رشد و شکوفایی و خلاقیت‌های اجتماعی را از فرد می‌گیرند و قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری و حل مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی در چنین فرزندان بسیار پایین است. ۱۷.

۲. تحقیر کار خانگی و مادری

در سال‌های اخیر، تمایل زنان به کار و کسب درآمد افزایش یافته و در نتیجه، اشتغال زنان و حضور زنان در بازار کار فزونی یافته است. در کنار این امر، نوعی تغییر نگرش نسبت به ازدواج و نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی به وجود آمده است که نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته است. این تغییر نگرش، از تفکرات



فمینیستی و از جوامع غربی به سایر کشورها و از جمله ایران رسوخ کرده است. به نظر فمینیست‌ها، موقعیت فرودست زن (مادر) نسبت به شوهر (پدر) تا حدی معلول وابستگی اقتصادی است؛ ولی ایدئولوژی‌های فراگیر خانواده نیز در ایجاد آن‌ها بی‌تأثیر نیست. بنابراین فمینیست‌ها نه تنها فرضیه‌های جامعه‌شناختی درباره‌ی خانواده، بلکه باورهای عامیانه را نیز مورد چون و چرا قرار داده‌اند. ۱۸. سیمون دوبوار نیز با تأکید بر اینکه کار زن در خانه هیچ فایده‌ی مستقیمی برای اجتماع ندارد، عقیده دارد به دلیل آنکه کار زن در خانه هیچ چیزی تولید نمی‌کند، زن خانهدار فرودست، درجه دوم و طفیلی است. به نظر وی، زن نمی‌تواند در خانه وجود خود را پیریزی کند؛ زیرا زن در خانه فاقد ابزارهای مورد نیاز برای بروز استعدادهای خود به عنوان فرد است و در نتیجه، فردیت او به رسمیت شناخته نمی‌شود.

فریدان، نظریه‌پرداز فمینیست-لیبرال، زانی را که به کار خانگی مشغول می‌شوند قربانیان یک گزینه‌ی اشتباه می‌خواند و آن‌ها را محکوم به عقیم‌اندگی مستمر می‌داند. وی بر این باور است که پرداختن به کار خانهداری محصول فرهنگی است که از زنان خود انتظار رشد ندارد و حاصل آن تلف شدن یک نفس انسانی است. ۱۹. بنابراین وقتی حضور زن در خانه را تلف شدن و تباهی شخصیت او بدانند و کار خانهداری و نقش‌های همسری و مادری را نوعی اسارت و تحقیر به شمار آورند، طبیعی است که رواج این نگرش منجر به کم‌ارزش شدن و تحقیر این نقش‌ها در جامعه و خصوصاً در بین زنان می‌شود و در نهایت، در کاهش باروری بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

۳. مصرف‌گرایی در سبک زندگی  
ژولیت شور، به واقعیتی با عنوان «مصرف‌گرایی نوین» در عصر حاضر اشاره می‌نماید که در آن، با بالا رفتن معیارهای زندگی، افراد هیچ توجهی به قدرت خرید خود نمی‌کنند و حتی افرادی که نتوانسته‌اند به ثروت مناسبی دست یابند، از خریده‌های اسراف‌گونه استقبال می‌کنند. ۲۰.

متأسفانه در جامعه‌ی امروز ایران نیز شاهد توسعه‌ی فرهنگ مصرف در بین خانواده‌ها هستیم که این امر خود منجر به بروز سایر عوامل و تغییرات نیز می‌شود. برای مثال، افزایش مصرف‌گرایی و بالا رفتن هزینه‌ها، به تدریج می‌تواند منجر به توسعه‌ی فردگرایی، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، گسترش شهرنشینی و... گردد. با توسعه‌ی فرهنگ مصرف در خانواده‌ها، طبیعتاً هزینه‌های زندگی بالا می‌رود و امکان داشتن فرزندان بیشتر فراهم نخواهد بود و این امر منجر به کاهش تعداد فرزندان خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط جمعیتی کشور و عواملی که بیان گردید، ضروری است که برای حل مسئله‌ی کاهش فرزندآوری برنامه‌ریزی صورت گیرد تا این مسئله تبدیل به بحران نگردد. از این رو، هم باید سیاست‌گذاری‌هایی در سطح کلان صورت گیرد و هم فرهنگ‌سازی در سطح خانواده‌ها.

دولت باید با اجرای سیاست‌گذاری و تنظیم قوانین امر فرزندآوری را تسهیل کند؛ به نحوی که با وجود تحولات صورت‌گرفته، زمینه‌ی تسهیل فرزندآوری فراهم شده و چالش پیش‌آمده تبدیل به بحران نشود.

علاوه بر برنامه‌ریزی‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های تقنینی و اجرایی، عوامل فرهنگی نیز در این زمینه نقش بسیار پررنگی دارند. تبلیغات و شعار معروف «فرزند کمتر، زندگی بهتر» که از دهه‌ی ۶۰ در ایران رواج یافت و تبلیغات متنی و تصویری با همین مضمون بر روی مواد غذایی و بسیاری از کالاها و بلبوردهای تبلیغاتی در سطح شهر، فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم فرزند کمتر را ترویج کردند و... در نهادینه کردن این فرهنگ (فرزند کمتر) تأثیر بسزایی داشتند.

سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات پزشکی و بهداشتی در زمینه‌ی تنظیم خانواده و ارائه‌ی خدمات پیشگیری از بارداری به مردم نیز در این زمینه تأثیر بسزایی داشت.

بنابراین همان گونه که همه‌ی عوامل و نهادها در کنار هم این فرهنگ را نهادینه کردند و در رسیدن کشور به این وضعیت جمعیتی نقش داشتند، در شرایط کنونی نیز برای اصلاح این روند و هر گونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای افزایش جمعیت، نیازمند فعالیت یک‌پارچه و هماهنگی همه‌ی نهادها و عوامل تأثیرگذار است.

منابع:

۱. مصاحبه‌ی روزنامه‌ی آمریکایی «وال استریت ژورنال» با برژینسکی، مارچ ۲۰۰۹.
۲. محمدجلال عباسی شوازی، هم‌گرایی رفتارهای باروری در ایران «میزان روند الگوی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۷۵»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۸، ۱۳۸۰.
۳. محمد میرزایی، نوسانات تحدید موالید در ایران، فصلنامه‌ی جمعیت، شماره‌ی ۲۹ و ۳۰، سازمان ثبت احوال کشور،



- ۱۳۷۸.
۴. حسین عظیمی، رشد جمعیت و نیازهای ناشی از آن، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۰، ص ۵۲.
  ۵. زینب کاوه فیروز، بررسی تغییرات سیاست‌های کنترل جمعیت و تأثیر آن بر تحولات باروری در ایران در طی سه دهه‌ی اخیر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
  ۶. مرکز آمار ایران، سرشماری‌های ۳۵ تا ۷۵.
  ۷. محمدجلال عباسی شوازی، پیتر مک‌دونالد و دیگران، بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۰، ۱۳۸۱.
  ۸. میرزایی، همان، ص ۵۵.
  ۹. گرت‌ها هوفستد، «فرهنگ‌ها و سازمان‌ها، برنامه‌ریزی ذهن»، علی‌اکبر فرهنگی و اسماعیل کاووسی، تهران، انتشارات پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴.
  ۱۰. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰.
  ۱۱. فریده خلج‌آبادی فراهانی، دلایل باروری پایین در زنان ایرانی، ویژه‌نامه‌ی جمعیت ایران، ۱۳۹۰، ص ۳۷.
  ۱۲. ویس، ۱۹۷۵.
  ۱۳. اعزازی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵.
  ۱۴. همان.
  ۱۵. خلج‌آبادی فراهانی، همان، ص ۳۷.
  ۱۶. محمدصادق مهدوی و حسن غنیمتی، فرزندسالاری، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، شماره‌ی ۳۵، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴.
  ۱۷. همان، ص ۱۱۵.
  ۱۸. پاملا آبوت و کلر والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرشهای فمینیستی، مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴.
  ۱۹. اسماعیل چراغی کوتیانی، فمینیسم و کارکردهای خانواده، مجله‌ی معرفت، شماره‌ی ۱۳۱، ۱۳۸۷.
  ۲۰. غلام‌حسن عیوضی، سبک زندگی تلویزیونی و مصرف، فصلنامه‌ی فرهنگی دفاعی زنان و خانواده، شماره‌ی ۱۶، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵.

ج/

## مقالات پرتال فرهنگی راسخون